



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

خشم و غضب

شناسنامه مطلب	
t-243	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت	رده
تزکیه، تربیت نفس، رذائل، خشم، غضب، امام خمینی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

بالسند المتّصل إلى محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن داود بن فرقد قال: قال أبو عبد الله، عليه السلام: **الغضب مفتاح كل شرّ**.^۱ ترجمه «داود پسر فرقد گوید حضرت صادق، علیه السلام، گفت: «خشم کلید همه شرّهاست.»» شرح محقق کبیر، احمد بن محمد، معروف به ابن مسکویه^۲، در کتاب طهارة الاعراق، که از کتب نفیس کم نظیر است در نیکویی ترتیب و حسن بیان، چیزی می‌فرماید که حاصل ترجمه‌اش قریب به این مضمون است:

کلام ابن مسکویه در تعریف غضب: «غضب در حقیقت عبارت از حرکتی است نفسانی که به واسطه آن جوشش در خون قلب حادث شود برای شهوت انتقام پس وقتی که این حرکت سخت شود آتش غضب را فروزان کند و برافروخته نماید و متمکن کند جوشش خون قلب را در آن، و پر کند شریانها و دماغ را از يك دود تاریک مضطربی که به واسطه آن حال عقل بدو ناچیز شود و کار او ضعیف شود. و مثل انسان در این هنگام، چنانچه حکما گویند، مثل غاری شود که در او آتش افروزند و پر گردد از شعله، و محبوس و مختنق گردد در آن دود و اشتعال آتش، و بیا خیزد نفیر آن و بلند شود نایره و صدای آن از شدت اشتعال، پس سخت شود علاج آن و مشکل گردد خاموش نمودن آن، و چنان شود که هر چه بر وی افکنند که او را فرو نشاند، خود او نیز جزء آن شود و بر ماده آن افزاید و سبب ازدیاد شود. پس، از این سبب است که انسان در این حال کور شود از رشد و هدایت، و کر گردد از موعظه و پند، بلکه موعظه در این حال سبب ازدیاد در غضب شود و مایه شعله و نایره آن گردد، و از برای این شخص راه چاره‌ای در این حال نیست».^۳

بدان که قوه غضبیه یکی از نعم بزرگ الهی است که به واسطه آن تعمیر دنیا و آخرت شود، و با آن حفظ بقای شخص و نوع و نظام عایله گردد، و مداخلیت عظیم در تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد.

۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الغضب»، حدیث ۳.

۲ احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (۳۳۰-۴۲۱ ه. ق)، فیلسوف و پزشک نامور اسلامی که در طب علمی و عملی و لغت و ادب و فنون شعر و کتابت و منطق و ریاضیات و بویژه در علم اخلاق شهرت بسیار داشت از آثار اوست: ترتیب السعادة، تهذیب الاخلاق، و تطهیر الاعراق، جاویدان خرد، آداب الفرس و الهند، تجارب الامم و تعاقب الهمم.

۳ تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (چاپ مصر) ص ۱۶۲.

چنانچه حال تفریط و نقص از اعتدال از صفات رذیله و موجب مفاسد بسیاری است، که شمه‌ای از آن را شنیدی، همین طور حد افراط و تجاوز از حد اعتدال نیز از رذایل اخلاقی و موجب فسادهای بیشمار است. کفایت می‌کند در فساد آن حدیث شریف کافی: عن أبي عبد الله، عليه السلام، قال: قال رسول الله، صلى الله عليه وآله: **الغضب يفسد الإيمان كما يفسد الخل العسل**.^۱ یعنی «از حضرت صادق، علیه السلام، منقول است که فرمود: رسول خدا، صلى الله عليه وآله، فرمود: غضب فاسد کند ایمان را، چنانچه فاسد کند سرکه عسل را.»

چه بسا باشد که انسان غضب کند و از شدت آن از دین خدا برگردد و نور ایمان را خاموش کند و ظلمت غضب و آتش آن، عقاید حقه را بسوزاند، بلکه کفر جحودی پیدا کند و او را به هلاکت ابدی رساند، و در وقتی تبه پیدا کند که پشیمانی سودی ندارد. و تواند بود که همین آتش غضب که در قلب بروز کند - و آن «جمره شیطان» است، چنانچه حضرت باقر العلوم، علیه السلام، فرماید: إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَوْقِدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ.^۲ یعنی «همانا این غضب برقه آتشی است از شیطان که افروخته شود در قلب پسر آدم.» - صورتش در آن عالم صورت آتش غضب الهی باشد. چنانچه حضرت باقر العلوم، علیه السلام، فرماید در حدیث شریف کافی: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، بِهِ مُوسَى: يَا مُوسَى، أَمْسِكْ غَضَبَكَ عَمَّنْ مَلَكَتْكَ عَلَيْهِ أَكْفٌ عَنْكَ غَضَبِي.^۳ یعنی «در تورات نوشته است، در ضمن اسراری که خدای تعالی به موسی فرمود: «ای موسی، نگاه دار غضب خود را از کسی که تو را مسلط نمودم بر او، تا آنکه نگه دارم از تو غضب خودم را.» و بدان که هیچ آتشی از آتش غضب الهی دردناکتر نیست. چنانچه در حدیث وارد است که از حضرت عیسی بن مریم، علیهما السلام، حواریین او سؤال کردند: «چه چیز از همه اشیا سختتر است فرمود سختترین اشیا غضب خداست.» گفتند: به چه چیز

۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۲، «کتاب ایمان و کفر»، باب غضب، حدیث ۱.

۲ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۵، «کتاب ایمان و کفر»، «باب غضب»، حدیث ۱۲.

۳ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳، «کتاب ایمان و کفر»، «باب غضب»، حدیث ۷.

حفظ کنیم خود را از آن؟ فرمود: «به آنکه غضب نکنید.»^۱ پس، معلوم شد که غضب خدا از هر چیز سخت‌تر و شدیدتر است و آتش غضبش سوزنده‌تر است، و صورت غضب در این عالم صورت آتش غضب خداست در آن عالم. و چنانچه خود غضب از قلب بروز کند، شاید آتش غضب الهی، که مبدأ آن، غضب و سایر رذایل قلبیه است، از باطن قلب بروز کند و بر ظاهر سرایت کند و از مدارك ظاهره انسان، از قبیل چشم و گوش و زبان و غیر این‌ها، شعله‌های سخت دردناکش بیرون آید. بلکه خود این مدارك ابوابی است که به جانب آن جهنم گشاده شود، و آتش جهنم اعمال و دوزخ جسمانی آثار بر ظاهر بدن انسان احاطه کند و رو به باطن رود. پس، انسان بین این دو جهنم، که یکی از باطن قلب بروز کرده و نایره و شعله‌اش از طریق ام الدماغ به ملك بدن وارد گردد، و دیگری صورت قبایح اعمال و تجسم افعال است و از ظاهر رو به باطن تصاعد کند، در فشار و عذاب است. و خدای تبارك و تعالی می‌داند که این چه فشاری و چه زحمتی است غیر از سوختن و گداختن. تو گمان می‌کنی احاطه جهنم مثل این احاطه‌هاست که تو تصور می‌کنی؟ احاطه اینجا فقط به سطح ظاهر است، ولی احاطه آنجا به ظاهر و باطن و به سطوح و اعماق است. و اگر خدای نخواست صورت غضب در انسان ملکه راسخه گردد که فصل اخیرش صورت غضب گردد، مصیبت افزون شود، و صورت برزخ و قیامت صورت سبع است - آن هم سبعی که در این عالم نظیر ندارد، زیرا که سبعیت انسان را در این حال مقایسه با هیچیک از حیوانات نتوان کرد: همان طور که در جانب کمال احدی از موجودات هم‌تراز وی این اعجوبه دهر نیست، در جانب نقص و انصاف به صفات رذیله و ملکات خسیسه نیز با او هیچیک از موجودات در میزان مقایسه نیاید. أولئك كالأنعام بل هم أضل^۲ در شأن او وارد شده، فهي كالالحجارة أو أشد قسوة^۳ درباره قلوب قاسیه بشر نازل گردیده است.

این‌ها که شنیدی شمه‌ای است از فساد این نایره سوزناك غضب در صورتی که از آن معاصی و مفسد دیگر بروز نکند - و خود آتش درونی ظلمانی در باطن درهم پیچیده و محبوس شود و مختنق شده اطفاء

۱ عن أبي عبد الله (ع) قال: قال الحواريون لعيسى (ع): أي الأشياء أشد؟ قال: أشد الأشياء غضب الله عز وجل، قالوا: بما تنقي غضب الله؟ قال: بان لا تغضبوا. وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۲۸۹، «ابواب جهاد نفس»، «باب ۵۳» حدیث ۱۵.

۲ «آنان چون چهار پایان‌اند، بلکه گمراهند.» (اعراف - ۱۷۹).

۳ (پس از آن دل‌هایتان سخت شد) «پس چون سنگ با سخت‌تر بود.» (بقره - ۷۴).

نور ایمان کند، چنانچه شعله مختنق به هم پیچیده و با دودهای ظلمانی ملتوی شده نور را منطفی و خاموش نماید - ولی خیلی بعید است، بلکه عادات از جمله ممتنع است، که در حال شدت غضب و اشتعال نایره آن، انسان از سایر معاصی بلکه موبقات و مهلکات نجات پیدا کند.

چه بسا به واسطه غضب يك دقیقه و شدت اشتعال این جمره ملعونه شیطانی انسان به پرتگاههای نیستی و هلاکت افتد: سبّ انبیا و مقدسات، نعوذ بالله، کند، قتل نفس مظلومه کند و هتك حرمت نماید، و دنیا و آخرت خود را به باد فنا دهد. چنانچه در حدیث شریف کافی است: عن أبي عبد الله، عليه السلام، في حديث كان أبي يقول: أي شيء أشد من الغضب؟ إن الرجل ليغضب فيقتل النفس التي حرم الله و يقذف المحصنة.^۱ یعنی «حضرت صادق، علیه السلام، فرمود که پدرم می‌فرمود: «چه چیز شدیدتر است از غضب؟ همانا مرد غضب می‌کند، پس قتل نفسی را که خدا حرام کرده می‌کند، و افترا به زن محصنه می‌زند.» و بیشتر فتنه‌های بزرگ و کارهای فجیع در اثر غضب و اشتعال آن واقع شده.

انسان در حال سلامت نفس باید خیلی خوفناك باشد از حال غضبناکی خود. و اگر دارای این آتش سوزان است، در وقتی که حالت سکونت از برای نفس است در صدد علاج برآید و با تفکر در مبادی آن و مفاسد آن در حال اشتداد و آثار و مفاسد آن در آخر امر بلکه خود را نجات دهد. فکر کند قوه‌ای را که خدای تعالی برای حفظ نظام عالم و بقای نوع و شخص و ترتیب نظام عایله و تمشیت بنی الانسان و حفظ حدود و حقوق مرحمت فرموده، و در سایه آن باید نظام ظاهر و باطن و عالم غیب و شهادت اصلاح شود، اگر انسان در خلاف آن و بر ضد مطلوبات حق تعالی و خلاف مقاصد الهی صرف کند، چه قدر خیانت کرده و مستحق چه ملامتها و عقوبتهایی است. و چقدر ظلوم و جهول^۲ است که رد امانت حق تعالی را نکرده، سهل است، او را صرف در راه عداوت و تحصیل غضب او کرده. معلوم است چنین شخصی امان از غضب الهی ندارد. پس از آن، تفکر کند در مفاسد اخلاقی و اعمالی که از غضب تولید

۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳، «کتاب ایمان و کفر»، «باب غضب»، حدیث ۴.

۲ اشاره است به آیه ۷۲ از سوره «احزاب»: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

شود، و آثار این خلق ناهنجار است که هر يك ممكن است انسان را تا ابد مبتلا کند: در دنیا گرفتار زحمت و بلیه نماید، و در آخرت گرفتار عذاب و عقاب.

اما مفسد اخلاقی، مثل کینه بندگان خدا که از این خلق زاییده شود، بلکه گاهی منتهی شود به کینه انبیا و اولیا، بلکه کینه ذات مقدس واجب الوجود و ولی النعم! و معلوم است قباح و فساد آن چه قدر عظیم است. پناه می‌برم به خدای تعالی از شر نفس سرکش که اگر عنانش لحظه‌ای گسیخته شود، انسان را به خاک مذلت می‌نشانند و به هلاکت ابد می‌کشاند. و مثل حسد، که شمه‌ای از فضایح آن را در سابق شنیدی در شرح حدیث پنجم، و غیر از این‌ها از مفسد دیگر.

و اما مفسد اعمالی، پس محصور نیست. شاید در آن حال رده‌ای گوید، یا سب انبیا و اولیا، نعوذ باللّٰه، کند، یا هتك حرّات الهیه و خرق نوامیس محترمه نماید، یا قتل نفوس زکیّه کند، یا خانمان بیچاره‌ای را به خاک مذلت نشانند و نظام عایله‌ای را مختل کند، و کشف اسرار و هتك استار نماید، و دیگر از مفسد بیشمار که در حال فوران این آتش ایمانسوز خانمان خراب کن انسان به آن مبتلا شود. پس این خلق را می‌توان گفت ام امراض نفسانیه و کلید هر شرّ است، و در مقابل آن کظم غیظ و فرو نشاندن نایره غضب، جوامع کلم و نقطه تمرکز محاسن و مجمع کرامات است. چنانچه در حدیث شریف کافی وارد است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، يَأْسِنَادُهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: أَتَى رَسُولَ اللَّهِ رَجُلٌ بَدَوِيٌّ، فَقَالَ: إِنِّي أَسْكُنُ الْبَادِيَةَ، فَعَلَّمَنِي جَوَامِعَ الْكَلَامِ. فَقَالَ: أَمْرُكَ أَنْ لَا تَغْضَبَ، فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْأَعْرَابِيُّ

المسألة ثلاث مرّات، حتّى رجع الرّجل إلى نفسه، فقال: لا أسأل عن شيءٍ بعد هذا، ما أمرني رسول الله إلّا بالخير. قال و كان أبي يقول: أيّ شيءٍ أشدّ من الغضب؟ إنّ الرّجل ليغضب فيقتل النّفس الّتي حرّم الله و يقذف المحصنة.^۱ یعنی «حضرت صادق، علیه السلام، فرماید شنیدم پدرم می‌فرمود مرد بیابان نشینی خدمت رسول خدا، صلی الله علیه و آله، آمد، عرض کرد: «من ساکن بادیه هستم، تعلیم فرما مرا جوامع کلم را،» (یعنی چیزی که کم لفظ و دارای معانی بسیار باشد.) پس رسول خدا، صلی الله علیه و آله،

۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۳ «کتاب ایمان و کفر»، «باب غضب»، حدیث ۴.

فرمود: «من امر می‌کنم تو را که غضب نکنی.» پس شخص اعرابی پرسش خود را سه مرتبه تکرار کرد تا آنکه رجوع به نفس خود کرد و گفت بعد از این سؤال نمی‌کنم از چیزی، رسول خدا، صلی الله علیه و آله، امر نمی‌کند مرا مگر به خیر.» حضرت صادق، علیه السلام، فرماید: «پدرم می‌فرمود: «چه چیز سخت‌تر از غضب است؟ همانا مرد غضب می‌کند پس می‌کشد کسی را که خداوند خون آن را حرام کرده و افترا به محصنه می‌بندد.» پس از آنکه انسان عاقل در حال سکونت نفس و خاموشی غضب ملاحظه مفاسد آن و مصالح کظم غیظ را نمود، لازم است بر خود حتم کند که با هر قیمتی است و با هر رنجی و زحمتی ممکن است این آتش سوزان و نایره فروزان را از قلب خود فرو نشاند و دل خود را از ظلمت و کدورت آن صافی نماید. و این با قدری اقدام و بر خلاف نفس و خواهش آن رفتار نمودن و تدبیر نمودن در عواقب امر و نصیحت نمودن نفس کاری است بس ممکن. چنانچه تمام اخلاق فاسده ملکات زشت را می‌توان از ساحت نفس خارج کرد، و جمیع محاسن و ملکات حسنه را می‌توان در قلب وارد کرد و روح را با آن متحلی نمود.

امام خمینی (ره)، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص: ۱۱۹

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور